

مطالعه‌ی تطبیقی حقوق خانوادگی متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی در ایران و فرانسه

حسنعلی مؤذن زادگان^۱

بهزاد جهانی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۶/۲۵)

چکیده

نظام عدالت کیفری تنها بزهکاران را هدف مجازات قرار می دهد و با افراد ناکرده بزه، کاری ندارد؛ اما ماهیت رسیدگی های کیفری به گونه ای است که اشخاص دیگر از جمله خانواده متهمان را نیز درگیر خواهد کرد. همین امر قانونگذاران را به سمت و سوی در نظر گرفتن حقوقی خاص برای این اشخاص، در فرایند کیفری و به ویژه تحقیقات مقدماتی سوق داده است تا از گزند بسیاری از آسیب های دادرسی به دور باشند. قانونگذار ایران نیز با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، گام های جدی و جدیدی را در راستای پذیرش حقوق خانوادگی متهم برداشته است. حق اطلاع از دستگیری، حق درخواست معاینه پزشکی، حق ملاقات با متهم، حق عدم تعرض به مسکن و امور خانوادگی و حق حمایت در برابر تهدید و خطر، از جمله مهم ترین این حقوق است. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه منبع اصلی اقتباس قانونگذار در این موارد بوده است و به همین علت، توجه به رویکرد نظام حقوقی این کشور که در پرتو تحولات حقوق بشر اصلاح و تکمیل شده است، ضرورت می یابد. به هر روی، اجرای این حقوق در وهله اول مستلزم آگاهی دارندگان آن، یعنی خانواده ها می باشد که در اغلب موارد ساز و کار و ضمانت اجرای دقیقی برای آن تعریف نشده است. ضمن این که برخی از حقوق مهم، از جمله حق اطلاع از محل نگهداری یا حق تعیین پزشک معاینه کننده، از خانواده‌ی متهمان سلب شده و لذا اصلاح قوانین در این موارد ضروری است. **واژگان کلیدی:** خانواده، متهم، حقوق، تحقیقات مقدماتی.

۱. نویسنده‌ی مسئول - دانشیار حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

Email: moazenzadegan@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

مقدمه

از یک سو، رعایت حقوق متهم در شمار مهم‌ترین اصول آیین دادرسی کیفری قرار دارد و برقراری تعادل بین حفظ نظم عمومی و کرامت انسانی متهم از واجبات دستگاه قضایی است؛ و از دیگر سو، این اصل خانواده‌ی متهمان را نیز در لوای حمایت خود قرار می‌دهد. در حقیقت، اهمیت نهاد خانواده موجب حمایت قانونگذاران از آن شده است. این حمایت‌ها محدود به حریم «حقوق خصوصی» نیست و در مقررات کیفری نیز به آن توجه شده است. یکی از این حمایت‌ها، در نظر گرفتن حقوق ویژه برای خانواده‌ی متهمان در فرایند تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های کیفری است. به بیان دیگر، با توجه به ارتباطات طبیعی و عاطفی که بین اعضای یک خانواده وجود دارد، درگیر شدن خانواده‌ی متهم در فرایند رسیدگی امری اجتناب ناپذیر است. از همین رو قانونگذاران کیفری، حقوق و تکالیفی را نیز به این اشخاص اختصاص داده‌اند. اسناد بین‌المللی و قوانین فرا دست ملی نیز به صورت کلی بر این حقوق تأکید دارند. چنان‌که بند ۳ ماده‌ی ۱۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ بیان می‌دارد: «خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود»؛ و یا اصل دهم از قانون اساسی ایران مقرر می‌نماید: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه‌ی اسلامی است، همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه‌ی حقوق و اخلاق اسلامی باشد». بر این اساس می‌توان گفت حقوق خانواده‌ی متهم عبارت از مجموع تضمینات قانونی است که برای خانواده‌ی افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرند در سراسر یک رسیدگی کیفری و با هدف دادرسی عادلانه منظور گردیده است.

تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ و تحولات گسترده‌ی آن در خصوص حقوق خانواده‌ی متهمان، مستلزم نگرشی جامع و بازپژوهی موضوع است. لذا این پرسش اساسی مطرح می‌شود که مصادیق این حقوق در فرایند تحقیقات مقدماتی جرائم چیست؟ و نوآوری‌های قانون جدید در مورد حقوق خانواده‌ی متهم کدام است؟ همچنین مطالعه‌ی تطبیقی موضوع با حقوق فرانسه ضرورت می‌یابد؛ زیرا تدوین‌کنندگان این قانون، نوآوری‌های شکلی و ماهیتی فراوانی را تحت تأثیر قانون آیین دادرسی کیفری

فرانسه پیاده نموده اند (تدین، ۱۳۹۱، ص ۲۰). بنابراین پرسش دیگری که مطرح می شود این است که شباهت ها و تفاوت های حقوق خانواده‌ی متهم در دو کشور ایران و فرانسه چیست؟ پاسخ به این پرسش ها نیازمند جستجو در قوانین آیین دادرسی کیفری دو کشور و مطالعه ای تطبیقی می باشد.^۱ لذا تلاش خواهد شد تا با تبیین جلوه های حقوق خانواده متهم در تحقیقات مقدماتی و همچنین بررسی و مقایسه مواضع دو کشور ایران و فرانسه، هم یاری رسان مسئولان و دست اندرکاران این حوزه بود، هم خانواده های درگیر در فرایند دادرسی کیفری را با حقوق خود آشنا ساخت و هم با تحلیل انتقادی این مواضع، چراغی فراروی قانونگذار در جهت رفع نواقص احتمالی روشن نمود.

برای سهولت مطالعه و بررسی، این حقوق به پنج دسته‌ی حق اطلاع از دستگیری، حق درخواست معاینه‌ی پزشکی، حق ملاقات با متهم، حق عدم تعرض به مسکن و امور خانوادگی و حق حمایت در برابر تهدید و خطر تقسیم شده اند. البته ممکن است این تقسیم بندی دقیق نباشد و برخی از حقوق، بین متهم و خانواده‌ی وی هم پوشانی داشته باشد؛ اما برای مطالعه‌ی آسان تر این روش برگزیده شده است.

الف- واژه شناسی

هر علمی دارای موضوعی است و موضوع یا موضوعات علمی نیز نیازمند واژه هایی هستند که معرف آن‌ها باشد. بنابراین واژگان برای انتقال مفاهیم و اندیشه‌ها نقش اساسی دارند. در واقع، واژه ها به عنوان ظرف و محمل، نه تنها سعی در ارائه، حمل و اشاعه مطرووف خود یعنی دانش بشری دارند، بلکه حراست از این محتوی را نیز در طول اعصار

۱. از منظر تحولات تاریخی می توان گفت کد ۱۸۰۸ ناپلئون «قانون تحقیقات جنایی»، با ویژگی های مهمی همچون پذیرش اصل تفکیک تعقیب از تحقیق و ایجاد نهاد بازپرسی، پذیرش حق تجدیدنظرخواهی و پذیرش آیین دادرسی افتراقی، موجب نظام مند شدن آیین دادرسی کیفری فرانسه شد. با ناکارآمد شدن این قانون، در سال ۱۹۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب رسید که طبق آن حقوق بیشتری به متهم اعطا شد و پیشرفت های نوین علوم مورد پذیرش قرار گرفت. تحت تأثیر تحولات حقوقی، در چندین مورد به ویژه در سال های ۱۹۹۳، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ تغییرات مهمی در آن شکل گرفت و به ترتیب، تغییرات عمده ای در مورد قرارهای تأمین و نظارت قضایی رخ داد، قاضی آزادی ها و بازداشت به وجود آمد و روش دو مرحله ای رسیدگی به پرونده های جنایی در مرحله ی تحقیقات مقدماتی منسوخ شد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: یوسفی، ۱۳۹۲، صص ۱۵۸-۱۶۰).

بر عهده می‌گیرند (طالب، ۱۳۶۸، ص ۷). در قلمرو علم حقوق نیز از آنجا که اصولاً استعمال لفظ در چارچوب قانونی با توجه به معانی عرفی آن صورت می‌گیرد و الفاظ قانونی، تابع معانی اصلی و حقیقی اند، طرح بحث واژه شناسی واژگان مرتبط با موضوع شامل خانواده، تحقیقات مقدماتی و متهم، ضرورت می‌یابد.

۱- خانواده

در مفهوم لغوی، خانواده به اعضای تشکیل دهنده‌ی آن، یعنی اهل خانه، زن و فرزند، فامیل و مجموعه‌ی خویشاوندان تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۴۷۲). این نهاد در قانون مدنی و دیگر قوانین ایران تعریف نشده است؛ ولی با توجه به مقررات مختلف، می‌توان برای آن یک معنی عام و یک معنی خاص قائل شد. خانواده در معنای خاص یا خانواده‌ی هسته‌ای، عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آن‌ها است که معمولاً با هم زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند. اما گاهی خانواده را به معنی گسترده تری به کار برده و کلیه خویشان نسبی و سببی را هم داخل در آن دانسته‌اند (صفایی و امامی، ۱۳۹۲، ص ۱۳). به گفته‌ی دیگر، خانواده، گروهی است که اعضای آن به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته‌اند. هر چند خانواده مهم ترین واحد طبیعی روابط انسانی است که اعضای آن ارتباطات پیوسته و نزدیکی با هم دارند؛ اما باید توجه داشت که تعریف خانواده تنها در توصیف آن به کارکردهای خاص، یا عقد نکاح به عنوان عامل شکلی پدیدآورنده، یا اعضا و ساختار و علل ارتباطی، پاسخگوی ماهیت حقیقی خانواده نیست (Kirby and other, 2000, p.45). به هر روی، منظور از خانواده در این نوشتار، معنای موسع آن که شامل همسران، فرزندان و سایر خویشان و بستگان می‌شود، خواهد بود. البته در برخی مصادیق، قانونگذار دامنه‌ی افراد واجد حق را گسترش داده و شامل اشخاص غیر خانواده نیز دانسته است. برای مثال در مورد حق اطلاع از دستگیری که در ادامه بیشتر راجع به آن بحث خواهد شد، در قانون ایران، آشنایان و در قانون فرانسه، کارفرما و شخصی که عادتاً با دستگیر شده زندگی می‌کند نیز در زمره‌ی دارندگان این حق به حساب آمده‌اند.

۲- تحقیقات مقدماتی و متهم

منظور از تحقیقات مقدماتی (Pre-Trial Investigation - Preliminary investigations) که یکی از مهم‌ترین مراحل فرایند کیفری و در واقع زیربنای آن را تشکیل می‌دهد، مفهوم عام آن است. در این صورت کلیه اقدامات و تحقیقات مقدم بر رسیدگی دادگاه که در نهادهای پلیس و دادسرا و در راستای کشف، تحقیق و تعقیب جرائم انجام می‌گیرد را می‌توان داخل در عنوان تحقیقات مقدماتی دانست. حال آن که در مفهوم خاص، تحقیقات مقدماتی از زمانی شروع می‌شود که پرونده حسب درخواست مقام تعقیب به بازپرس ارجاع می‌شود و اقداماتی معین شامل جمع‌آوری ادله به نفع یا ضرر متهم، بازجویی از وی و اتخاذ تصمیم احتیاطی برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن و اظهار نظر قضایی راجع به جلب متهم به محاکمه و یا عدم آن را در برمی‌گیرد (موذن زادگان، ۱۳۹۳، ص ۲)؛ تعریفی که به صورت ناقص در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز پذیرفته شده است.^۱ لازم به ذکر است تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تعریف نشده و قوانین آن قابلیت پذیرش هر یک از این دو معنا را به مناسبت داراست (باقرپور، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲). البته چهار نوع تحقیق و جمع‌آوری ادله، شامل تحقیق در جرائم مشهود، تحقیقات اولیه، کنترل هویت و تحقیقات قضایی رسمی انجام شده توسط قاضی در قانون آیین دادرسی این کشور به رسمیت شناخته شده است (Bradley, 2007, p.207).

همچنین به رغم آن که قانونگذار بارها درباره‌ی متهم سخن گفته، آن را تعریف نکرده است؛ اما می‌توان گفت شخصی که در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته است متهم نامیده می‌شود (آخوندی، ۱۳۸۲، ص ۸۳). البته اصطلاحات «شخص تحت نظر» و «مظنون» نیز در مراحل قابل کاربرد است. همچنین به دلیل بار حقوقی منفی اصطلاح متهم، در برخی از کشورها از جمله فرانسه، واژه‌ی «شخص تحت بررسی» (Mise En Examen) مورد استفاده

۱. ماده‌ی ۹۰: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه‌ی اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضائی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله‌ی وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود». در این تعریف به «اظهار نظر قضایی راجع به جلب متهم به محاکمه و یا عدم آن» اشاره ای نشده است.

قرار می‌گیرد. بنابراین منظور از متهم در این نوشتار، معنای عام آن است که دربرگیرنده‌ی شخص تحت نظر نیز می‌باشد.

ب- حق اطلاع از دستگیری

دستگیری (Capture) و بازداشت (Deterrence) متهم علاوه بر سلب آزادی او، زندگی اعضای خانواده و خویشاوندان وی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بی‌اطلاعی اعضای خانواده از سرنوشت و محل بازداشت فرد دستگیر شده، نگرانی‌های آن‌ها را افزایش داده و گاهی موجب ورود صدمه‌ها و آسیب‌های شدید روحی و روانی به اعضای خانواده می‌شود (Stone, 2006, p.123). برای نمونه، زنی که مدت‌ها است شوهرش مفقود شده و از بازداشت وی بی‌اطلاع است، ممکن است با این حدس که وی به دنبال حادثه‌ای نامعلوم فوت نموده است، سلامت جسمی و روانی خود را از دست بدهد. به همین دلیل، اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها حق متهم در اطلاع‌رسانی به خانواده‌ی خود و به دیگر سخن، حق اطلاع خانواده‌ی متهم از دستگیری وی را به عنوان یکی از جلوه‌های دادرسی عادلانه مورد پذیرش و تأکید قرار داده‌اند. همچنین این اقدام، متهم را در بازیابی مجدد خویش در شرایط بحرانی جدید یاری رسانده و در نتیجه می‌تواند در کسب آمادگی او برای دفاع مناسب مؤثر باشد. از طرف دیگر، خانواده‌ی وی نیز با آگاهی از موضوع پیش آمده، از سرگردانی و بلا تکلیفی خارج و با اقدامات و پیگیری‌های خود، موجب تسریع در رسیدگی به پرونده و در صورت بی‌گناهی متهم، خروج او از بازداشت می‌شود (کرامت و حبیب زاده، ۱۳۹۱، ص ۹۳). علاوه بر این، الزام پلیس یا نهاد دستگیرکننده نسبت به اعلام محل بازداشت متهم به خانواده او، می‌تواند ساز و کار مؤثری برای جلوگیری از بازداشت‌های غیرقانونی و نگهداری متهم در بازداشتگاه‌های غیر رسمی باشد.

«مجموعه اصول حمایت از کلیه افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان»^۱ که در سال ۱۹۸۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده، مقررات جامعی در این زمینه پیش

1. Body of Principles for the Protection of All Persons under any form of detention or imprisonment, General Assembly Resolution 43/173 (9 December 1988).

بینی کرده است. اصل ۱۶ سند مذکور، روش‌های مطلع ساختن خویشاوندان متهم و موارد تأخیر مجاز در اطلاع رسانی را در چهار بند به طور جداگانه تعیین کرده است. بر اساس بند یک، فرد بازداشت شده و یا زندانی باید از حق خود مبنی بر آگاه ساختن اعضای خانواده و دیگر افراد مورد نظر، بلافاصله پس از دستگیری برخوردار باشد. این حق همچنین هرگونه جابجایی در محل بازداشتگاه یا زندان و یا تغییر محل نگهداری وی را شامل می‌شود و شخص بازداشت شده می‌تواند از مقام‌های صلاحیت دار تقاضای اطلاع رسانی کند. نکته‌ی مهم در این بند، اختیار فرد بازداشت شده در تعیین شخصی است که می‌تواند از بازداشت مطلع شود. از این رو، این اطلاع رسانی محدود به اعضای خانواده‌ی فرد بازداشت شده نمی‌شود و متهم می‌تواند افراد دیگری را که تصور می‌کند بتوانند او را مورد حمایت قرار دهند برای آگاهی از وضعیت خود انتخاب کند (فرجی‌ها و مقدسی، ۱۳۹۰، ص ۲۲). علاوه بر سند مذکور، «قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان»^۱ نیز به صراحت برخورداری از این حق را برای متهمان بازداشت شده به رسمیت شناخته است. در ماده‌ی ۹۲ این سند تصریح شده است که: «زندانی محاکمه نشده مجاز خواهد بود که بلافاصله خانواده اش را در جریان بازداشت خود قرار دهد و امکانات مناسبی برای تماس با خانواده یا دوستانش و ملاقات با آنان، با رعایت محدودیت‌ها و نظارت‌های ضروری از لحاظ مدیریت دادگستری و امنیت و حسن اداره مؤسسه داشته باشد».

در کشور ما تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، حق اطلاع از دستگیری، تنها در بند ۵ ماده واحده‌ی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ آن هم به شکل کلی و بدون ضمانت اجرا ذکر شده بود. این بند کلیه‌ی مراجع قضایی و ضابطان دادگستری را موظف کرده بود خانواده‌ی دستگیرشدگان را در جریان دستگیری و بازداشت قرار دهند؛ اما در قانون جدید آیین دادرسی کیفری این

1. Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners, Adopted by the First United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, held at Geneva in 1955, and approved by the Economic and Social Council by its resolutions 663 C (XXIV) of 31 July 1957 and 2076 (LXII) of 13 May 1977.

حق به صورت دقیق و مفصل مورد پذیرش قرار گرفته است. طبق ماده‌ی ۴۹ این قانون: «به محض آن که متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است». نکته‌ی شایان ذکر این که اشخاص آمده در ماده حصری هستند و به جز والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر شخص تحت نظر، بقیه‌ی خویشاوندان از چنین حقی برخوردار نیستند. ضمن این که مراجع اطلاع دهنده، محدود به دادستان شهرستان و رئیس کل دادگستری استان شده است. تخلف از ماده‌ی فوق نیز برای ضابطان دادگستری، ضمانت اجرای محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی را در پی دارد (ماده‌ی ۶۳). اما شخص تحت نظر و متهم نیز حق دارد وضعیت خود را به اطلاع خانواده اش برساند. در این راستا ماده‌ی ۵۰ قانون پیش گفته مقرر می دارد: «شخص تحت نظر می تواند به وسیله‌ی تلفن یا هر وسیله‌ی ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آن که بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای أخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند». در متن ماده از «خانواده و آشنایان» نام برده که مفهومی وسیع تر از خانواده در معنای عام است و می تواند شامل اشخاصی مثل دوست و همکار نیز باشد. این دیدگاه از آن جهت که به متهم اجازه می دهد غیر از خانواده، حق اطلاع رسانی به سایر اشخاص را نیز به دلایل مختلف از جمله حفظ حیثیت و آبروی خود داشته باشد قابل دفاع است. نکته‌ی دیگر این که در صورت توسل به معیار «ضرورت» و مخالفت ضابطان با این حق، تصمیم نهایی بر

عهده‌ی مقام قضایی خواهد بود. هر چند قانون آیین دادرسی کیفری در مورد ضمانت اجرای این حق، سکوت اختیار کرده است؛ اما با توجه به این که این حق در قانون حفظ حقوق شهروندی نیز به رسمیت شناخته شده و طبق ماده‌ی ۷ قانون آیین دادرسی کیفری^۱، حقوق شهروندی این قانون تحت حمایت و ضمانت قرار گرفته است، می‌توان آن را دارای ضمانت اجرایی مناسب دانست.

ماده‌ی ۲-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بیان می‌دارد: «هر شخص تحت نظر می‌تواند به درخواست خود، در مهلت پیش بینی شده در بند آخر ماده‌ی ۱-۶۳ حداکثر ظرف سه ساعت، به استثنای اوضاع و احوال غیر مترقبه» به وسیله‌ی تلفن به شخصی که عادتاً با او زندگی می‌کند یا یکی از والدین خود در خط مستقیم، یا یکی از برادرها یا خواهرهای خود و یا کارفرمای خود موضوع را اطلاع دهد. اگر افسر پلیس قضایی به خاطر ضرورت تحقیق، معتقد باشد که متهم بازداشت شده نباید از این حق استفاده کند باید موضوع را فوراً به اطلاع دادستان شهرستان برساند تا نسبت به آن تصمیم‌گیری کند؛ و طبق ماده‌ی ۱-۶۳، شخص تحت نظر باید از این حق به صورت مکتوب مطلع شود. همچنین بر اساس مواد ۷۷، ۳-۷۸ و ۱-۱۳۳، مقررات مربوط به اعمال این حق، در تحقیقات مقدماتی، حالت کنترل هویت و شرایط بازداشت خاص نیز جاری است. ملاحظه می‌شود که برخلاف قانون ایران، قانونگذار فرانسه تنها به خود شخص متهم حق آگاهی دادن به خانواده و... را اعطا نموده، ولی برای خانواده‌ی وی چنین حقی را قائل نشده است. اشخاصی که متهم حق اطلاع‌رسانی به آن‌ها را دارد به قید حصر عبارتند از: شخصی که عادتاً با فرد زندگی می‌کند «اعم از همسر، فرزندان و هم‌خانه عرفی که معنایی فراتر از اشخاص خانواده دارد»، والدین در خط مستقیم، برادر و خواهر و کارفرما. در حالی که قید «خانواده و آشنایان» مذکور در ماده‌ی ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ایران به

۱. ماده‌ی ۷: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده‌ی (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

مراتب شامل افراد بیشتری می‌شود. همچنین در قانون فرانسه، حداکثر مهلت سه ساعت «مگر در شرایط خاص» برای اعمال این حق پیش بینی شده است. حال آن که قانونگذار ایران مهلت خاصی را تعیین نکرده است. قوانین آیین دادرسی کیفری هر دو کشور ایران و فرانسه، حق مطلع ساختن خانواده متهم نسبت به محل بازداشت را به صراحت مورد اشاره قرار نداده و به ارتباط تلفنی با خویشاوندان اکتفا نموده اند (همان، صص ۲۵ و ۲۶). دیگر این که در هر دو کشور ضابطان دادگستری و افسران پلیس قضایی حق ممانعت از تلفن زدن و اطلاع رسانی را در موارد «ضرورت» که خود ضابطه ای وسیع، قابل تفسیر و قابل انتقاد است دارند؛ متنها تصمیم گیری نهایی در این مورد به مقام قضایی صالح یعنی دادستان سپرده شده که قابل دفاع است. برای مثال در فرضی که عضو خانواده، شریک جرم متهم باشد یا بیم آن رود که هم دستان و شرکای جرم از دستگیری متهم اطلاع یابند، دادستان حق ممانعت از اطلاع رسانی به خانواده را دارد (Fair Trials International, 2013, p.12). آنچه گفته شد مبین آن است که قانونگذار ایران با اقتباس از قانون فرانسه این حق را مقرر کرده و البته آن را توسعه نیز داده است.

ج- حق درخواست معاینه‌ی پزشکی

حیات انسان ارزشمندترین دارایی اوست و صیانت از این دارایی بی همتا، یکی از ضروریاتی است که در عین حال مسائل گسترده ای را به هم پیوند زده است. یکی از این موضوعات که با حیات انسان، انس و الفتی دیرینه دارد مسأله‌ی سلامتی اوست. به واقع، سلامت فردی، به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه های کرامت انسانی محسوب می‌شود. در همین راستا، حق بر سلامتی (Right to Health) نیز به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر توصیف می‌شود که برای تحقق و بهره مندی از سایر حقوق و آزادی‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. تعداد زیادی از اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، حق بر سلامتی را به رسمیت شناخته‌اند^۱ و حق بر سالم بودن (Right to be Healthy) نیز به عنوان یکی از

۱. از جمله‌ی این اسناد و قوانین می‌توان به ماده‌ی ۵۵ منشور سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۵، ماده‌ی ۵ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵، ماده‌ی ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶، ماده‌ی ۲۶ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۷۸، ماده‌ی ۱۶ منشور آفریقایی

زیرشاخه‌های حق بر سلامتی شناخته می‌شود.^۱ از یک طرف، تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر سلامتی مانند سایر حقوق بشر دارای سه بعد تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفا می‌باشد (Eide & others, 2001, p.79) و از طرف دیگر، سلامتی افرادی که آزادی آن‌ها به هر دلیل محدود شده و در بازداشت یا زندان به سر می‌برند نیز شایسته‌ی احترام، حمایت و اجرا است. چنان‌که گفته شده مراقبت‌های بهداشتی از زندانیان و متهمان، بخش جدایی‌ناپذیر و اساسی هر کار زندان است. (Møller & others, 2007, p.21) حال، با توجه به این‌که سلامت جسمی و روانی اعضای یک خانواده برای سایر اعضا از اهمیت زیادی برخوردار است و شخصی که بازداشت می‌شود در شرایطی قرار می‌گیرد که احتمال بروز بیماری در او بیشتر است، دولت‌ها حق درخواست معاینه‌ی پزشکی توسط خانواده متهمان را مورد پذیرش قرار داده‌اند. یکی دیگر از مبانی پذیرش حق معاینه‌ی پزشکی متهمان نیز، منع شکنجه و جلوگیری از آزار و اذیت جسمی و روحی این اشخاص است.

در اقدامی بدیع، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حق درخواست معاینه توسط پزشک را هم برای خود متهم و هم خانواده‌ی وی در نظر گرفته است. ماده‌ی ۵۱ این قانون مقرر می‌دارد: «بنا به درخواست شخص تحت‌نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت‌نظر معاینه به‌عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود». هر چند تعریف دقیق بستگان نزدیک مشخص نیست؛ اما به نظر می‌رسد با مقایسه و وحدت ملاک بین این ماده و ماده‌ی ۴۹ بتوان بستگان نزدیک را منحصر به اعضای درجه یک خانواده شامل پدر، مادر، همسر، فرزندان، برادر و خواهر دانست. تعیین پزشک معتمد نیز بر عهده‌ی دادستان است و لذا پزشک

حقوق بشر و ملت‌ها مصوب ۱۹۸۱، ماده‌ی ۱۷ اعلامیه‌ی قاهره درباره حقوق بشر در اسلام مصوب ۱۹۹۰ و بند ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود.

۱. حق بر سلامتی به معنای حق بر سالم بودن نیست. سالم بودن به فقدان بیماری دلالت دارد، اما حق بر سلامتی فراتر از صرف نبود بیماری است و دارای ابعاد مختلف جسمی، روانی و اجتماعی است؛ حتی است که مستلزم برخورداری از فرصت‌های برابر برای همه است تا بتوانند از امکانات، تسهیلات، خدمات و شرایط لازم برای تحقق این استاندارد برخوردار شوند. (CESCR, 2000, p. 8-9)

خانوادگی متهم یا پزشک منتخب آن‌ها حق ملاقات و معاینه متهم را ندارد. این دیدگاه قابل انتقاد است؛ زیرا همانگونه که گفته شد یکی از توجیهاات معاینه‌ی پزشکی، جلوگیری از اذیت و شکنجه متهم توسط ضابطان است. حال آن‌که پزشک تعیین شده توسط دادستان ممکن است خود در مظان اتهام باشد. لذا بهتر آن بود که قانونگذار، تعیین شخص پزشک را بر عهده‌ی خود متهم یا خانواده اش قرار می‌داد؛ ولی حق تأیید یا عدم تأیید پزشک منتخب با ذکر دلیل را بر عهده‌ی دادستان می‌گذاشت. ضمانت اجرای تخلف از اعمال این حق نیز در ماده‌ی ۶۳ قانون ذکر شده است.^۱

ماده‌ی ۳-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مقام پذیرش این حق بیان داشته: «هر شخص تحت نظر به درخواست خود می‌تواند توسط یک پزشک که به وسیله افسر پلیس قضایی یا دادستان شهرستان تعیین می‌شود مورد معاینه قرار گیرد. در صورت طولانی شدن تحت نظر او می‌تواند مجدداً تقاضای معاینه‌ی پزشکی نماید. در هر زمان دادستان شهرستان یا پلیس قضایی می‌تواند رأساً یک پزشک برای معاینه‌ی شخص تحت نظر انتخاب کند. در صورت عدم تقاضای شخص تحت نظر از دادستان شهرستان یا افسر پلیس قضایی، یکی از اعضای خانواده‌ی وی می‌تواند چنین درخواستی داشته باشد. پزشک مورد نظر توسط دادستان شهرستان یا افسر پلیس قضایی تعیین می‌شود. پزشک مورد نظر در اسرع وقت، شخص تحت نظر را مورد معاینه قرار می‌دهد. گواهی پزشک در ارتباط با وضعیت شخص، برای نگهداری در تحت نظر، در پرونده مربوطه درج می‌شود...». مقررات مربوط به این حق در موارد دیگر از جمله تحقیقات مقدماتی، شرایط بازداشت خاص و حتی متهمان جرایم سازمان یافته پذیرفته شده است «مواد ۷۷، ۱-۱۳۳ و ۷۰۶-۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه».

به نظر می‌رسد منظور از اعضای خانواده در این ماده، همانند حقوق ایران، اعضای درجه‌ی یک خانواده باشد. چنان‌که نمی‌توان علی‌رغم نص صریح قانونی در دارندگان این حق زیاده روی نمود؛ چون اعطای چنین حقی به همه‌ی اعضای خانواده متهم اعم از دور و

۱. ماده‌ی ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۴)، (۴۵)، (۴۶)، (۴۷)، (۴۸)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۴)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است».

نزدیک، با فلسفه‌ی اعطای این حق در تعارض است. همچنین هر چند در این کشور تعیین پزشک معتمد علاوه بر دادستان بر عهده‌ی افسران پلیس قضایی نیز قرار گرفته است و این رویکرد از این جهت که در موارد ضروری که به دادستان دسترسی نباشد کارایی مناسبی دارد؛ اما از این نظر که با بی‌اعتمادی کامل، تعیین پزشک را بر عهده‌ی خود متهم یا خانواده اش قرار نداده با انتقاداتی که در مورد قانون کشور ما نیز گفته شد روبرو است. در نهایت این که قانونگذار فرانسه به نحو بهتر و مفصل‌تری این حق را در مواد مختلف گنجانده است.

د- حق ملاقات با متهم

هر يك از اعضای خانواده به منزله‌ی رکنی هستند که نقش مخصوص به خود را دارند و لذا فقدان هر یک از این ارکان، عاملی است که منجر به آسیب‌های فراوان و چه بسا از هم پاشیدن ساختار خانواده می‌شود. شخص زندانی و در بازداشت، به هر علتی که حبس شود، چه اتهامی سبک داشته باشد چه سنگین، بی‌گناه باشد یا گناهکار، در مکانی قرار می‌گیرد که آثار سوء آن نه فقط خود او، بلکه شامل خانواده‌ی او هم می‌شود. اما زندانیان اعم از اشخاص بازداشت و محکوم و خانواده‌ی آن‌ها، بخشی از مردم و عضوی از جامعه بشری هستند و از کلیه‌ی حقوق خود محروم نمی‌شوند. اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها به دفاع از متهم و خانواده‌ی وی پرداخته و ضمن حفظ کرامت و حیثیت معنوی، حقوقی از جمله حق ارتباط با دنیای خارج که در اشکال مختلف ملاقات، مکاتبه، تماس تلفنی، پست الکترونیک و غیره نمود پیدا می‌کند (کوئل، ۱۳۸۴، ص ۹۸)، به آنان اعطا نموده‌اند. به واقع، حق ارتباط با خانواده نه تنها حق زندانی، بلکه متقابلاً حق خانواده‌ی وی نیز محسوب می‌شود.

ماده‌ی ۳۷ «قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان» در این رابطه بیان می‌دارد: «زندان‌یان باید اجازه داشته باشند، تحت نظارت ضروری، با خانواده و دوستان خود در فواصل منظم از طریق نامه یا ملاقات حضوری ارتباط برقرار کنند». اصل ۱۹ از «مجموعه‌ی اصول حمایت از کلیه‌ی افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان» نیز می‌گوید:

«هر فرد بازداشت شده یا زندانی باید از حق ملاقات و مکاتبه با دیگران به ویژه اعضای خانواده خود برخوردار باشد و باید به او فرصت کافی برای تماس با دنیای بیرون داده شود. ضمن این که شرایط و محدودیت های تعیین شده توسط قانون یا مقررات قانونی باید در نظر گرفته شود».

برخی عقیده دارند در نظام حقوقی کشور ما ممنوع الملاقات کردن متهم وجهه قانونی ندارد (صابر، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷)؛ و تضمین این حق نیز به صورت مصرح در قانون اساسی یا قوانین عادی همانند قوانین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ۱۳۹۲ نیامده است. اما آیین نامه‌ی اجرایی سازمان زندان ها مصوب ۱۳۸۴ دربردارنده‌ی مقررات مفصلی در این زمینه است. طبق ماده‌ی ۱۸۰ آیین نامه‌ی مذکور: «کلیه‌ی محکومان و متهمان، تحت نظارت کامل و طبق مقررات این آیین نامه مجاز به داشتن ارتباط با بستگان و آشنایان خود می‌باشند و این ارتباط به وسیله‌ی ملاقات و مکاتبه‌ها انجام می‌پذیرد. تبصره - چنانچه ملاقات یا مکاتبه‌ی متهمی خلاف حسن جریان محاکمه باشد، قاضی مربوط می‌بایست به طور کتبی ملاقات با محکوم یا مکاتبه‌ی وی را ممنوع اعلام کند. در این صورت و در مدت ممنوعیت حسب مورد ملاقات با محکوم و یا مکاتبه‌ی او تنها با اجازه کتبی مراجع قضایی صلاحیت‌دار مجاز می‌باشد. تخلف از مفاد این تبصره موجب تعقیب انتظامی یا اداری متخلف خواهد بود. ولی پس از آغاز محاکمه، وکیل مدافع شخص بازداشت شده حق خواهد داشت که با او ملاقات نماید و هیچ یک از مأموران انتظامی یا اداری و قضایی نمی‌توانند به هیچ وجه از این ملاقات جلوگیری نمایند». انواع ملاقات هم به تلفنی، حضوری و شرعی تقسیم شده است.

در ماده‌ی ۱۸۲ آیین نامه نیز اشخاصی که حق ملاقات با متهم را دارند بدین صورت تفکیک شده اند: «زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزندان محکوم یا متهم و همچنین پدر و مادر همسر وی حق دارند بر اساس شرایط ملاقات های هفتگی با محکوم ملاقات کنند و سایر بستگان و دوستان محکوم در صورت درخواست با کسب اجازه از طرف رئیس موسسه یا زندان یا قاضی ناظر می‌توانند ملاقات کنند».

طبق این مقرره‌ی قانونی، اصل بر ملاقات خانواده متهم با وی می‌باشد (کرامت و حبیب زاده، پیشین، ص ۱۰۲)؛ مگر این که مقام قضایی ملاقات را خلاف حسن جریان محاکمه

تشخیص دهد. خانواده و آشنایان نیز به دو گروه تقسیم شده اند: گروه اول شامل زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزندان محکوم یا متهم و همچنین پدر و مادر همسر وی که حق ملاقات با متهم را دارند و گروه دوم، شامل سایر بستگان و دوستان که مقید به قید محکوم شده اند و لذا با عنایت به محرمانه بودن تحقیقات، این اشخاص حق ملاقات با متهم را ندارند؛ ولی با اجازه‌ی رئیس زندان و یا مقام قضایی می‌توانند با شخصی که محکوم شده و دوره‌ی محکومیت خود را می‌گذرانند ملاقات نمایند. حق ملاقات خانواده با شخص تحت نظر نیز به دلایل قابل توجیه از جمله محدود بودن زمان آن و این که در زمان تصویب این آیین نامه، مرحله‌ی تحت نظر در نظام قضایی کشور ما به شکل دقیق مشخص نشده بود، آورده نشده است. به نظر می‌رسد هر چند آیین نامه مذکور در راستای اجرای «ماده‌ی ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی به سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۶۴» توسط رئیس قوه‌ی قضاییه تدوین شده است؛ اما به جهت اهمیت حقوق و آزادی‌های اشخاص و از جمله این که حق ملاقات خانواده متهم به عنوان یکی از حقوق شهروندی شناخته می‌شود، شایسته است که قانونگذار نیز به صورت دقیق و شفاف این حق را مورد امعان نظر قرار دهد.

قانونگذار فرانسه به دلیل اهمیت موضوع، بحث از ملاقات و محدودیت در ملاقات متهم را مسکوت نگذارده و به آن پرداخته است. بر اساس ماده‌ی ۴-۱۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور: «هنگامی که شخص تحت بررسی «متهم» در بازداشت موقت قرار گرفته است، بازپرس می‌تواند برای یک دوره‌ی ده روزه تماس و ارتباط با وی را ممنوع سازد. این تدبیر می‌تواند فقط برای یک دوره‌ی جدید ده روزه تمدید شود. در هیچ صورت، ممنوعیت تماس و ارتباط برای وکیل شخص تحت بررسی، اجرا نمی‌گردد. با توجه به مقرراتی که گذشت هر شخص تحت بازداشت موقت می‌تواند با اجازه بازپرس در مکان بازداشت خود ملاقات‌هایی را داشته باشد...». لذا در حقوق فرانسه نیز اصل بر حق ملاقات با متهم است؛ مگر در مواردی که بازپرس تصمیم بگیرد زندانی محرمانه باشد؛ یعنی به صورت منفک و بدون حق ملاقات که این تصمیم ده روزه است و نهایتاً ده روز

دیگر قابل تمدید است. همچنین این ارتباطات و مکاتبات به استثنای امور مربوط به وکیل کنترل می‌شود (بوریکان و سیمون، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷).

بازپرس می‌تواند به مدت یک ماه به خانواده‌ی متهم در بازداشت، مجوز ملاقات ندهد؛ اما ادامه‌ی این ممنوعیت مستلزم صدور تصمیم موجهی است که قابل اعتراض در مرجع بالاتر می‌باشد. قسمت اخیر ماده‌ی فوق می‌گوید: «... با انقضای مدت یک ماه از تاریخ استقرار شخص، تحت بازداشت موقت، بازپرس نمی‌تواند ارائه‌ی مجوز ملاقات به اعضای خانواده‌ی شخص در بازداشت را رد کند مگر با تصمیم کتبی و موجهی که با توجه به ضرورت‌های تحقیق گرفته می‌شود. این تصمیم فوراً و از هر طریق به متقاضی ابلاغ می‌شود. این شخص می‌تواند در خواست خود را برای رئیس شعبه‌ی تحقیق که در یک مهلت ۵ روزه با یک تصمیم کتبی و موجه غیرقابل اعتراض رأی می‌دهد ارسال نماید. زمانی که رئیس شعبه‌ی تحقیق، تصمیم بازپرس را رد کند، خود مجوز ملاقات را صادر می‌کند.» ملاحظه می‌شود که به دلیل اهمیت موضوع، قانونگذار فرانسه، محدودیت‌های ملاقات را به صورت دقیق برشمرده است؛ در حالی که آیین نامه سازمان زندان‌ها از چنین استحکامی برخوردار نیست و با آوردن ضابطه‌ی مبهم «خلاف حسن جریان محاکمه» دست قضات و ضابطان دادگستری را در اعمال محدودیت علیه متهم بازگذاشته است. بنابراین شایسته است که اولاً حق ملاقات با متهم، نه در آیین نامه‌ی اجرایی، بلکه در متن قانون آیین دادرسی کیفری ایران مورد تصریح قرار گیرد و ثانیاً، مدت زمان محرومیت متهم از حق ملاقات با خانواده و همچنین حق اعتراض به این تصمیم قضایی، در متن قانون آورده شود.

ه- حق عدم تعرض به مسکن و امور خانوادگی

امروزه حق اشخاص در حمایت و مصون بودن از تعرض به حریم خصوصی (Right to Privacy)، یکی از حقوق و آزادی‌های بنیادین محسوب می‌شود که از مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته است و با کرامت انسان‌ها نیز ارتباطی نزدیک دارد. حریم خصوصی جسمانی، منازل و اماکن، اطلاعاتی و ارتباطی، مهم‌ترین بخش‌های حریم خصوصی محسوب می‌شوند. آری، «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا

مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود... هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد» (ماده‌ی ۱۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸). درست است که شخص متهم، حریم خصوصی محدودتری پیدا می‌کند و بخشی از آزادی‌های او سلب می‌شود؛ اما صرف در مظان اتهام واقع شدن، به معنای اجازه‌ی مداخله در تمام زوایای زندگی شخصی و خانوادگی شخص نیست. چه بسا برخی از تحقیقات مانند بازرسی و تفتیش منزل متهم، مصداق تجاوز به حریم خصوصی خانواده‌ی وی باشد. لذا مقامات قضایی فقط مجاز به تحقیق و بررسی حول موضوع اتهام هستند. هر گونه تجسس و دخالت در اموری که مرتبط با اتهام نیست غیرقانونی و ممنوع است و در صورت ارتکاب از ناحیه هر شخص و مقامی، متهم حق ممانعت و شکایت دارد. بر اساس آن چه گفته شد، خانواده‌ی متهم نیز حق دارند حریم خصوصی آن‌ها در سرتاسر دادرسی کیفری مورد رعایت قرار گیرد؛ زیرا آن‌ها دخالتی در وقوع جرم نداشته‌اند. البته گاه اهمیت جرایم ارتكابی و رجحان منافع اجتماع بر منافع اشخاص و به ویژه رواج دیدگاه‌های امنیت گرا، توجیه‌گر عدول از این اصل بوده، ولی مشروعیت و اعتبار ادله‌ی اکتسابی همواره در رعایت قانون و متناسب و ضروری بودن اعمال تحقیقاتی ارزیابی شده است (تدین، ۱۳۸۸، ص ۸۳).

در قوانین موضوعه‌ی ایران، حریم خصوصی و حق بر حریم خصوصی به صورت همه جانبه، دقیق و مدون، مورد حمایت واقع نشده است. اما با نگرشی به قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه نظیر قانون مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و... گوشه‌هایی از مصادیق مختلف حریم خصوصی و عدم امکان تعرض به آن‌ها وجود دارد که می‌توان با استفاده از مفاهیم آن، حدود و چارچوب حریم خصوصی را تقریباً روشن ساخت (فروغی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰). برای نمونه و آن چه بیشتر مورد نظر ما است، اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی، مواد ۹۶، ۹۷، ۱۰۳ و ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و بندهای ۸ و ۱۱ قانون حفظ حقوق شهروندی به این مهم اشاره کرده‌اند. بند ۸ قانون اخیر مقرر می‌دارد: «بازرسی‌ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط

انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد؛ و بر اساس بند ۱۱: «پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته‌ی افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد». همان گونه که پیش تر گفته شد، مفاد قانون حفظ حقوق شهروندی در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، تأیید و دارای ضمانت اجرای کیفری شده است. همچنین مواد ۵۵، ۵۶، ۵۸ و ۱۳۷ به بعد این قانون جدید نیز ضوابط ناظر بر ورود و تفتیش منازل را مشخص نموده است. بر این اساس، تفتیش و بازرسی در جرائم غیر مشهود باید با اجازه مقام قضایی باشد «ماده‌ی ۵۵». چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تراحم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم تر باشد «ماده‌ی ۱۳۹». تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می‌آید، مگر در موارد ضروری و با مجوز مقام قضایی و ضابطه روز نیز از طلوع آفتاب تا غروب آن است «ماده‌ی ۱۴۰». موازین شرعی نیز باید در تفتیش رعایت شود «ماده‌ی ۱۴۲».

در آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز، رعایت حریم خصوصی اشخاص به ویژه در هنگام بازرسی و تفتیش مورد توجه قرار گرفته است (تدین، پیشین، ص ۸۷). مواد ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۷۶ و ۷۷ تا ۹۹ این قانون، مهم ترین شرایط بازرسی و تفتیش را بر شمرده اند. بر این اساس، تفتیش ها و بازرسی هایی که در محل اقامت صورت می‌گیرد و توقیف اسناد اقناع آور بدون رضایت صریح کتبی شخصی که در محل اقامت او اقدامات صورت می‌پذیرد نمی‌تواند انجام شود؛ مگر در جرائم مهم با درخواست دادستان شهرستان و تصمیم کتبی و موجه از طرف قاضی آزادی ها و بازداشت «ماده‌ی ۷۶». همچنین ماده‌ی ۵۶، مفاد دقیقی را برای چگونگی بازرسی اقامتگاه مجرم یا خانواده‌ی او در نظر گرفته و حتی ضمانت اجرای بطلان را نیز برای عدول از آن در ماده‌ی ۵۹ در نظر گرفته است. طبق همین ماده، به جز

۱. طبق نظریه‌ی شماره ۷-۲۳۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۷/۲۱ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه که در خصوص ماده‌ی ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری سابق صادر شده بود، این تراحم حقوق شامل حقوق خانواده متهم نیز می‌گردد.

مواردی که از داخل خانه اعلام می شود یا استثنای پیش بینی شده در قانون، تفتیش و بازرسی از محل اقامت اشخاص قبل از ساعت ۶ صبح و بعد از ساعت ۲۱ شب امکان پذیر نیست و تخلف از این امر نیز موجب بی اعتباری تحقیقات خواهد شد. نکته‌ی دیگر این که فقط افسران پلیس قضایی و مقام قضایی، اجازه‌ی ورود به محل زندگی یا کار اشخاص را دارند، ولی سایر کارمندان یا ضابطان دادگستری به جز در موارد ضرورت و آن هم در معیت یک افسر پلیس قضایی از چنین حقی برخوردار نیستند «ماده‌ی ۲۳». در قانون جزای فرانسه نیز همانند قانون مجازات اسلامی، تعرض به حریم خصوصی اشخاص و سلب آرامش و حق خلوت آن ها جرم انگاری شده و مجازات حبس و جزای نقدی برای مرتکبین در نظر گرفته شده است «ماده‌ی ۸-۴۳۲».

و- حق حمایت در برابر تهدید و خطر

یکی از اهداف اساسی دولت‌ها، ایجاد نظم و حراست از امنیت، حقوق، آزادی و حیات شهروندان است. همین امر به دولت ها اجازه می دهد تا برهم زندگان نظم عمومی را جهت احیای نظم مختل شده مجازات نمایند. اما متهم تا قبل از آن که جرمش در دادگاه صالح و طبق قانون اثبات نشود در پناه اصل برائت قرار دارد و لذا باید در امنیت جسمی و روانی باشد. به دیگر سخن، یکی از حقوق متهمان، تأمین امنیت آنان در فرایند رسیدگی کیفری است؛ زیرا این احتمال وجود دارد که بزه دیده یا خانواده‌ی او درصدد انتقام شخصی برآیند و به متهم صدمه وارد سازند. به طریق اولی، خانواده متهمان نیز در پرتو اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و مجازات، چه آن هنگام که دادرسی کیفری جریان دارد و چه بعد از آن، حق مصونیت در برابر هر تهدید و خطری را دارا هستند. به همین جهت نهاد عدالت کیفری باید تلاش خود را جهت حمایت از خانواده‌ی متهم در طول رسیدگی های کیفری مصروف دارد. چه آن که «هر انسانی از حقوقی بهره مند است. شناسایی حقوق ذاتی، یکسان و انتقال ناپذیر انسان ها پایه‌ی آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد و این حقوق انسانی باید در چارچوب قانون حمایت شود» (مقدمه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر).

یکی دیگر از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اعطای حق حمایت به بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده‌ی جرم یا خانواده‌ی آنان و همچنین خانواده‌ی متهم در برابر تهدید و خطر است. آن‌جا که قانونگذار در ماده‌ی ۹۷ بیان می‌دارد: «بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده‌ی جرم یا خانواده‌ی آنان و همچنین خانواده‌ی متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه‌ی گزارش به بازپرس هستند». در ادامه، به تحلیل این ماده از منظر «حق خانواده‌ی متهم» می‌پردازیم.

با توجه به این که مفاد ماده‌ی ۹۷ در قوانین کشور ما سابقه‌ای ندارد، سه پرسش مهم در مورد آن مطرح می‌شود. اول این که منظور از خانواده در این ماده، معنای خاص یا عام آن است؟ دوم، منظور از تهدیدات چیست؟ و سوم این که اقدامات احتیاطی دربردارنده‌ی چه نوع اقداماتی است؟ به نظر می‌رسد با توجه به چرایی وضع این ماده، مفهوم خانواده را باید گسترده تلقی کرد؛ یعنی کلیه‌ی خویشاوندان اعم از نسبی و سببی که به نحوی مورد تهدید قرار گیرند. وقتی هدف حمایت از انسان‌های بی‌گناهی است که ممکن است قربانی انتقام‌جویی شوند، محدود کردن آن‌ها به چند شخص خاص وجه عقلایی و قانونی ندارد. ضمن این که اگر قانونگذار می‌خواست دایره‌ی حمایتی خود را محدود کند مثل برخی از مواد دیگر «مانند ماده‌ی ۴۹» به مصادیق اعضای خانواده نیز اشاره می‌نمود.

منظور از تهدیدات نیز اعم از تهدید جانی، مالی و آبرویی است. یعنی هر تهدیدی که ارزش‌های انسانی متهم و خانواده‌ی او را در معرض خطر قرار دهد. حال این تهدید می‌تواند از ناحیه‌ی مجنی‌علیه، خانواده و اطرافیان وی و حتی اشخاص ثالث باشد. در نهایت اقدامات احتیاطی نیز شامل کلیه‌ی اقدامات متناسبی است که از طرف ضابطان دادگستری با هدف دفع تهدید انجام می‌شود. اقداماتی مانند مخفی کردن هویت، تغییر محل اقامت، تغییر شغل، حفاظت فیزیکی به وسیله‌ی یگان‌های نظامی و انتظامی و... در این حوزه جای می‌گیرد (مؤذن زادگان، پیشین، ص ۱۶). پس بهتر است معیارهای خانواده، تهدید و اقدامات احتیاطی را محدود نکنیم و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها را بر عهده‌ی مقام قضایی قرار دهیم تا بر اساس دانش و تجربه خود تصمیم‌گیری نماید.

جستجو در قانون آیین دادرسی کیفری کشور فرانسه نشان می‌دهد ماده‌ی خاص و صریحی که اشاره به حق حمایت خانواده‌ی متهم در برابر خطر و تهدیدات نماید وجود ندارد. اما همانند قانون ایران، بزه دیده و شهود و خانواده‌های آن‌ها در مواد مختلف قانونی موضوع این حمایت قرار گرفته‌اند «مواد ۱۴۴، ۲-۱۴۴، ۵۷-۷۰۶ تا ۶۳-۷۰۶». به هر صورت، خانواده‌ی متهم، گاهی خطر انتقام جویی و سلب آسایش و امنیت را از جانب بزه دیده و یا عوامل و طرفداران او احساس می‌کنند؛ لذا برای رفع احساس خطر این اشخاص و کمک به اجرای عدالت، باید حمایت‌های مؤثری از آن‌ها در برابر تهدید و انتقام صورت پذیرد. امری که می‌توان آن را حق این خانواده‌ها و تکلیف دولت قلمداد نمود.

در نهایت باید گفت همان‌گونه که مطابق قانون، متهم حق اطلاع و آگاهی از حقوق خود را داراست؛ خانواده وی نیز از حق آگاهی از حقوق خود در فرایند دادرسی کیفری برخوردارند؛ زیرا تا وقتی اشخاص به حقوق خود آگاه نباشند امکان اعمال آن را نیز نخواهند داشت. به دیگر روی، آگاهی و اطلاع به مثابه‌ی قدرت است و یکی از عوامل کلیدی در تضمین دادرسی عادلانه نیز آن است که اشخاص درگیر در آن به درک کافی و دقیق از وضعیت و حقوق خود برسند (Open society justice initiative, 2013, p.6). از این رو شایسته است که قانونگذاران، اعلام حقوق خانواده‌ی این اشخاص را به عنوان تکلیفی بر عهده ضابطان دادگستری و مقامات قضایی قرار دهند. امری که خوشبختانه در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته است. به گونه‌ای که ماده‌ی ۶ این قانون مقرر می‌دارد: «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود». بی‌شک قید «سایر افراد ذیربط»، مشمول خانواده متهم نیز می‌شود؛ زیرا این اشخاص همان‌گونه که بحث شد در طول رسیدگی دارای حقوق و اختیاراتی هستند. البته به نظر می‌رسد تخلف از این تکلیف قانونی جز در موارد خاص برای ضابطان و مقامات قضایی ضمانت اجرایی نخواهد داشت. همچنین هر چند حق آگاهی متهم از حقوق خود در مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، از جمله ماده‌ی ۱-۶۳ ذکر و برای آن ضمانت اجرا نیز در نظر

گرفته شده است؛ ولی قانون این کشور در خصوص حق آگاهی خانواده‌ی متهم از حقوق خود مسکوت است.

نتیجه

توجه جامعه جهانی و سازمان های بین المللی به مقوله‌ی حقوق متهم و همچنین خانواده‌ی وی در جریان رسیدگی های کیفری و تصویب اسناد بین المللی در این زمینه، موجب شده تا کشورها با تصویب قوانین داخلی، این موضوع را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند. در حقیقت با عنایت به اهمیت نهاد خانواده، باید از منظر جدید و مستقل، حقوق متهم را احصاء و تقسیم بندی نمود. این حقوق را نیز باید حقوق خانواده متهم نامید. با کنکاش در قوانین آیین دادرسی کیفری می توان مصادیقی از این حقوق را استخراج نمود.

بررسی مختصر حقوق خانواده متهم در تحقیقات مقدماتی در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه نشان می دهد که بیشتر حقوق اعطا شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، از جمله حق اطلاع از دستگیری و حق درخواست معاینه پزشکی از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اقتباس شده است. برخی از این حقوق مانند حق ملاقات خانواده با متهم نیز، نه در قانون بلکه در آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها آورده شده است. حال آن که به دلیل اهمیت موضوع، شایسته است قانونگذار، این حق و ضوابط آن را در قانون آیین دادرسی کیفری تصریح نماید و برای اجرای صحیح آن، ضمانت اجرا در نظر گیرد تا مقامات قضایی و اجرایی نتوانند متهم و خانواده اش را از این حق محروم نمایند؛ ضمن این که تعیین دقیق جرایمی که در آن مقام قضایی می تواند به صورت موقتی، حق ملاقات با خانواده را سلب نماید و مدت زمان این محرومیت و همچنین حق اعتراض به این تصمیم قضایی، باید در متن قانون آورده شود تا از این رهگذر، حقوق متهم و خانواده‌ی وی به نحو بهتری تأمین گردد. چنین مقرره ای در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه آورده شده است؛ بنابراین قانونگذار می تواند همچون برخی موارد پیش گفته، با الهام از مفاد قانون فرانسه، نسبت به اعطای عادلانه تر حق ملاقات به خانواده متهمان اقدام نماید. البته قانونگذار ایران، با توجه به مبانی فکری و حقوقی خاص خود،

می‌تواند تغییراتی را در مفاد حقوق اقتباسی لحاظ نماید. ضابطه این تغییرات و محدودیت‌ها، احترام به حقوق متهمان و خانواده‌ی آن‌ها بر اساس کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشر است.

اکنون نیز این دیدگاه جاری بوده و قانونگذار ایران در حقوق اقتباسی خانواده‌ی متهمان از قانون فرانسه تغییراتی را به وجود آورده است. این تغییرات به گونه‌ای بوده که حتی در برخی موارد، مانند حق اطلاع خانواده‌ی متهم از دستگیری وی، قانون ایران مقررات جامع‌تر و مناسب‌تری را تدوین نموده است. در مورد چگونگی اعطا و اجرای این حقوق نیز اختلافاتی بین این دو نظام حقوقی وجود دارد؛ اما در برخی از موارد موضع هیچکدام کامل نیست. برای نمونه، هر چند اسناد بین‌المللی بر حق اطلاع خانواده متهم از محل دستگیری و نگهداری وی تأکید دارند، ولی قوانین ایران و فرانسه در این خصوص ساکت است. بهتر آن است که با در نظر گرفتن محدودیت‌های امنیتی در جرایم خاص و جهت جلوگیری از نگهداری متهمان در بازداشتگاه‌های غیر رسمی و غیرقانونی، این حق در قوانین موضوعه به رسمیت شناخته شود. همچنین در مورد حق معاینه پزشکی، بی‌اعتمادی کامل به جامعه پزشکی جایز نیست؛ بنابراین برعکس آنچه در قوانین ایران و فرانسه آمده است می‌توان حق تعیین پزشک معاینه‌کننده را بر عهده شخص متهم یا خانواده‌ی وی گذارد؛ منتها حق تأیید یا عدم تأیید پزشک منتخب را با دلایل موجه به عهده‌ی مقام قضایی سپرد تا از این رهگذر حقوق این اشخاص به نحو بهتری صیانت شود.

لازم به ذکر است اعمال و اجرای هر یک از این حقوق در درجه اول مستلزم آگاهی اشخاص خانواده از آن‌ها است؛ زیرا نمی‌توان از اشخاص عادی انتظار داشت که از چنین حقوقی اطلاع کامل داشته باشند. لذا ساز و کارهای قانونی و اجرایی باید چنان تعبیه شود که در ابتدای تعقیب و تحقیقات مقدماتی، کلیه‌ی این حقوق از طرف مقام قضایی و یا ضابطان دادگستری به خانواده‌ی متهم اطلاع داده شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود هنگامی که خانواده‌ی متهم برای اطلاع از دستگیری یا ملاقات با وی به مقامات قضایی یا

انتظامی مراجعه نمودند، حقوق قانونی شان در فرایند دادرسی کیفری، به صورت مکتوب و در فرم های مخصوص، به آن ها تفهیم شود.

فهرست منابع

الف- فارسی

• کتاب‌ها

آخوندی، محمود، (۱۳۸۲)، آیین دادرسی کیفری، هفت جلدی، جلد دوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

باقرپور، یوسفعلی، (۱۳۸۴)، تضمینات قانونی و اساسی در دادرسی و تحقیقات مقدماتی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه)، فصلنامه بصیرت، سال ۱۲، شماره ۳۴، صفحات ۹۴ تا ۱۲۵.

بوریکان، ژان و سیمون، آن ماری، (۱۳۸۹)، آیین دادرسی کیفری، ترجمه عباس تدین، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

تدین، عباس، (۱۳۸۸)، احترام به حریم خصوصی اشخاص در مقام تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری ایران، فرانسه و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، نامه مفید، دوره ۱۵، شماره ۷۳، صفحات ۸۳ تا ۱۰۴.

تدین، عباس، (۱۳۹۱)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، چاپ اول، تهران: معاونت حقوقی قوه قضاییه، انتشارات خرسندی.

صابر، محمود، (۱۳۸۸)، معیارها و تضمین های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی «مدرس»، دوره ۱۳، شماره ۶۳، صفحات ۱۴۳ تا ۱۷۵.

صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، (۱۳۹۲)، مختصر حقوق خانواده، چاپ ۳۵، تهران: میزان.

طالب، مهدی، (۱۳۶۸)، اهمیت مفاهیم و اصطلاحات در جامعه شناسی، مجله آموزش علوم اجتماعی، شماره اول، صفحات ۶ تا ۱۱.

عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران: انتشارات راه رشد.

غفاری، هدی و عاطفه عباسی، (۱۳۸۵)، مروری بر حقوق متهم در حقوق ایران با رویکردی به اسناد فراملی، فصلنامه ندای صادق، شماره ۴۳، صفحات ۱۱۹ تا ۱۴۸.

فرجیها، محمد و مقدسی، محمداقبر، (۱۳۹۰)، حق متهم برای مطلع ساختن اعضای خانواده خود نسبت به دستگیری و محل بازداشت، فصلنامه کارآگاه، سال ۴، شماره ۱۶، صفحات ۱۹ تا ۳۳.

فروغی، فضل‌الله و دیگران، (۱۳۹۳)، *مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا*، فصلنامه‌ی مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره‌ی ۶، سال ۳، صفحات ۱۳۷ تا ۱۷۲.

کرامت، قاسم و حبیب‌زاده محمدجعفر، (۱۳۹۱)، *الزامات نظام قضایی در زمینه حقوق و آزادی‌های متهمان در مرحله دادرسی*، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی، سال اول، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۳۹۱، صفحات ۸۹ تا ۱۲۲.

کویل، آندرو، (۱۳۸۴)، *رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان*، مترجم: حسن طغرانگار، تهران: نشر وفاق. لوترمی، لورانس و پاتریک کلب، (۱۳۸۷)، *بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه*، مترجم: محمود روح الامینی، چاپ اول، تهران: میزان.

مؤذن زادگان، حسنعلی، (۱۳۸۹)، *تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی*، پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۲، شماره‌ی ۲۸، صفحات ۳۰۱ تا ۳۳۰.

مؤذن زادگان، حسنعلی، (۱۳۹۳)، *تقریرات درس آیین دادرسی کیفری تطبیقی*، دوره‌ی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

یوسفی، ایمان، (۱۳۹۲)، *تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

ب- منابع لاتین

Body of Principles for the Protection of All Persons under any form of detention or imprisonment, General Assembly Resolution 43/173 (9 December 1988).

Bradley, Craig M, (2007), **Criminal Procedure A Worldwide Study**, 2d ed, Durham : Carolina Academic Press.

CESCR, (2000), **"The Right to the Highest Attainable Standard of Health"**, General Comment No. 14.

Eide, Absyorn and others, (2001), **Economic, Social and Cultural Rights as Human Rights**, Boston: Martinus Nijhoff Publishers.

Fair Trials International,(2013), **Booklet of Criminal proceedings and defence rights in france**, <http://www.fairtrials.org/arrested-abroad/arrested-in/arrested-in-france-2/>.

Kirby,Mark and others,(2000), **sociology in perspective**, AQA ed edition, Portsmouth: Heinemann Educational Publishers.

Møller, Lars and others,(2007), **Health in prisons(A WHO guide to the essentials in prison health)**, World Health Organization ,Regional Office for Europe.

Open society justice initiative,(2013), **Case Digests: European Standards on Criminal Defence Rights**,
<http://www.opensocietyfoundations.org/sites/default/files/criminal-defence-europe-summary.pdf>.

Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners, Adopted by the First United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, held at Geneva in 1955, and approved by the Economic and Social Council by its resolutions 663 C (XXIV) of 31 July 1957 and 2076 (LXII) of 13 May 1977.

Stone, R, (2006), **Textbook on civil liberties and human rights**, Oxford: Oxford University Press.